

مجله مطالعات ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال شانزدهم، شماره سی و یکم، بهار و تابستان ۱۳۹۶

آفرین و نفرین در آثار ایرانی باستان و میانه*

دکتر مهدی دهرامی (نویسنده مسئول)^۱

مجنتی فهیمی پور^۲

چکیده

آفرین و نفرین (دعا و لعن) از بن‌مایه‌های دینی، فرهنگی، اسطوره‌ای و ادبی است که از دیرباز، همگام با هم، از ادبیات قبل از اسلام تا شریطه‌های قصاید مدحی و انواع مختلف ادبی استمرار یافته است. هدف این مقاله که با روش توصیفی تحلیلی انجام گرفته، بررسی وجوه مختلف آفرین و نفرین در آثار دوران پیش از اسلام (باستان و میانه) است. از همین منظر، با توجه به آثار ایرانی باستان (اوستا و کتیبه‌های هخامنشی) و آثار اشکانی و پهلوی دوران میانه (کتیبه‌های شاهان و رجال ساسانی، کتاب‌های کارنامه اردشیر بابکان، یادگار زریران و ...)، انواع دعا و نفرین استخراج و از جنبه‌هایی مانند نقش آن در پیشبرد کارها، اهداف، درخواست کنندگان، بلا یا نعمت‌های درخواست شده، کارکردها و جنبه‌های بلاغی آن بررسی شده است. در اوستا این دو مقوله به خصوص آفرین و دعا در بخش‌های نیایشی آن بسامد گسترده‌ای یافته که بیشتر در راستای اهداف، تعالیم، اندیشه‌ها و آموزه‌های مذهبی قرار گرفته و موجودات اهریمنی نفرین و موجودات اهورایی مورد دعا واقع شده‌اند. در کتیبه‌های هخامنشی دعا و نفرین، از یکسو هدف ترغیبی و گاه تحذیری در خصوص پاسداشت کتیبه‌ها دارد و از سوی دیگر حس وطن‌دوستی پادشاهان را با بسامد فراوان دعا‌های نیک نسبت به کشور نشان می‌دهد. در کتیبه‌های دوره میانه نفرین دیده نمی‌شود، اما دعا همچنان استمرار یافته که بیشتر متضمن طلب عمر طولانی و پیروزی بر دشمنان است. در کتاب‌های این دوره دعا و نفرین بیشتر کارکردی ادبی داشته و نشان‌گر حالات عاطفی شخصیت‌ها در موقعیت‌های مختلف روایی است.

واژه‌های کلیدی: نفرین، دعا، اوستا، کتیبه‌های هخامنشی، آثار دوره میانه.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۱۳

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۲/۱۳

Dehrami3@gmail.com

نشانی پست الکترونیک نویسنده مسئول:

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه جیرفت

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ

۱. مقدمه

از قدیم الایام انسان در برخورد با موانع و مشکلاتی که قادر به رفع آنها نبوده، از نیرویی فراطبیعی استمداد می‌جسته‌است. دعا و نفرین نمود آشکار این موضوع است که به عنوان بن‌مایه‌ای فرهنگی، دینی، اسطوره‌ای و حتی ادبی رواج داشته‌است. آفرین به معنی دعای نیک است در برابر نفرین که دعای بد باشد. ریشه آفرین را از «فرای (فری، فرینا، فرث، فرت) می‌دانند (ن.ک: مقدم، ۱۳۴۲: ۵۰). Fri در اوستا به معنای خوشنود ساختن است. (Cheung, 2007: 87) و نفرین با افزوده شدن «ن» بر این ریشه حاصل شده‌است. nifridag در فارسی میانه به معنای لعنت و بلا و مصیبت آمده‌است (ن.ک: همان).

«نفرین نقطه مقابل ستایش و طلب موهبت و نعمت است... که همراه یا بدون اقداماتی خاص، زیان و مصیبتی را برای شیء، شخص یا جامعه‌ای درخواست می‌شود... نفرین نشان‌گر طغیان خشم و عصبانیت و خواسته‌های کینه‌توزانه است» (Scheper, 2005: 2097). اصل نفرین و دعا شباهت‌هایی با هم دارند و طی آن، برای تحقّق امری از نیروهای فراطبیعی درخواست یاری می‌شود. اگر بلا و مصیبتی درخواست شود از مقوله نفرین و اگر نیکی و نعمتی مدنظر قرار گیرد، دعا و آفرین محسوب می‌شود. آفرین در متون فارسی چه پیش از اسلام و چه بعد از آن به معنای دعا کاربرد داشته‌است. آن‌چنان‌که در کتیبه سلوک داور آمده: «آنگاه آفرین کردم که شاپور شاهنشاه، بهترین مردان، انوشه باد» (دریایی، ۱۳۸۳: ۴۹) و به همین معنا در شاهنامه و متون دیگر نیز به کار رفته‌است:

بر او آفرین کرد بسیار زال که شادان بزی تا بود ماه و سال

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۲۰۴)

آن‌گونه که گفته‌شد، نفرین از نظر لفظی از کلمه نفی «نه» یا «نا» و «آفرین» ترکیب یافته است از همین منظر برخی تلفظ اصح آن را به فتح نون می‌دانند. (ن.ک: معین، ۱۳۲۶: ۱۳۵) این واژه از نظر معنایی ضد آفرین است و علاوه بر معنای لعن در معانی ذم، فغان، بلا و مصیبت نیز به کار رفته‌است (ن.ک: دهخدا، ذیل نفرین). امروزه نفرین بیشتر به معنای دعای بد و لعنت است که طی آن نفرین‌کننده آرزوی رسیدن بلا و مصیبت و آسیب‌های مختلف جسمی و جانی برای نفرین‌شده دارد. نگاهی به آثار فارسی نشان می‌دهد این شیوه گفتاری قدمت طولانی دارد و در قدیمی‌ترین آثار فارسی از جمله اوستا، کتیبه‌های دوران هخامنشی و آثار باقی مانده از دوران فارسی میانه نیز نمود یافته‌است.

۱-۱. بیان مسئله

این مقاله در پی آن است که با توجه به آثار دوره باستان و میانه نشان دهد دعا و نفرین چه جایگاهی در جهان‌بینی نویسندگان داشته‌است؟ از نظر محتوایی چه مصیبت‌ها و

بلایایی و به چه دلایل و کارکردهایی درخواست شده؟ تا چه میزان این عنصر در پیش‌برد کارها مؤثر بوده و این عناصر چه جایگاهی در کیفیت عاطفی و بلاغی اثر داشته‌است؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

بیشتر تحقیقاتی که در زمینه لعن و نفرین و دعا انجام شده، رویکردی دینی داشته و آن را از منظر قرآن و روایات بررسی کرده‌است. از آن جمله است *نصوص اللعن فی القرآن و اثرها فی الاحکام الشرعیه* از شاکر الکلوسی و مقاله «عوامل سلام و لعن در قرآن کریم» (۱۳۹۳) به قلم بهابادی و پنبه‌یز. برخی تحقیقات نیز نفرین را از منظر تطبیقی بررسی کرده‌اند. در مقاله «از آنا‌توم سومری تا اردشیر پارسی» (۱۳۹۳) از بادامچی و افکنده، نفرین‌های مندرج در کتیبه بیستون را مشابه کتیبه‌های سومری دانسته‌اند. بنا به جستجویی که انجام شد، تاکنون تحقیقی که دعا و نفرین را در آثار دوره باستان و میانه بررسی کند، یافت نشد.

۱-۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

دعا و نفرین به عنوان یکی موضوعات دینی است و علاوه بر آن، از بن‌مایه‌های فرهنگی جامعه و از موضوعات و مضامین پرسامد در آثار فارسی پیش از اسلام است و بررسی آن می‌تواند از یکسو میزان رعایت تناسب فرهنگ و ادبیات را با مذهب و از سوی دیگر جلوه‌های بلاغی و عاطفی آثار را نشان دهد و معیاری برای شناخت روحیات، تمایلات، سطح عاطفی، قدرت تحمل گویندگان در برابر ناملایمات و نوع برخورد آنها را با مشکلات و موانع و چگونگی رفع آنها نشان دهد.

۲. بحث

۱-۲. نفرین در زبان‌های ایرانی باستان

از نظر تاریخی، زبان ایرانی را به سه دوره ایرانی باستان، میانه و نو تقسیم می‌کنند. از نظر تاریخی، از آغاز آمدن ایرانیان به این سرزمین تا سال ۳۳۱ ق. م. (سقوط امپراطوری هخامنشیان) دوره باستان نامیده‌اند (ن.ک: ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۳). زبان‌های ایرانی باستان شامل زبان‌های سکایی، مادی، فارسی باستان و اوستایی است که از دو مورد نخست، تنها چند واژه باقی مانده اما از دو زبان دیگر، آثاری چون اوستا و کتیبه‌های شاهان هخامنشی باقی است و می‌توان از دیدگاه محتوایی مورد بررسی قرار داد.

۱-۱-۲. دعا و نفرین در اوستا

دعا و نفرین بن‌مایه‌ای کهن است و در قدیمی‌ترین متن فارسی یعنی اوستا نیز انعکاس یافته‌است. البته کاربرد این عنصر در بخش‌های مختلف این اثر دینی متفاوت است. گاهان یا گانه‌ها به عقیده محققان قدیمی‌ترین بخش اوستا و سروده زردتشت است. حالت نیایشی

این بخش موجب شده گزاره‌های دعایی نمود چشمگیری داشته باشد و از همان ابتدا مخاطب را در فضایی خاصانه فرورد: «پیش از همه چیز خواستارم ای اشا که وهومن و روان آفرینش را از خود خوشنود سازم... ای مزدا اهورا و ای وهومن، بواسطه راستی، شکوه هر دو جهان به من ارزانی دارید از آن شکوه مادی و معنوی که دینداران را خرمی و شادمانی بخشد» (پورداد، ۱۳۷۷، گات‌ها: ۵) در گات‌ها اهورامزدا مورد خطاب واقع شده و همین امر جنبه دعایی را تقویت کرده است. در این بخش زردتشت از اهورامزدا طلب برآورده شدن خواسته‌های خود و دیگران را دارد. دعاهایی که در اوستا آمده بسیار متفاوت و گوناگون است، این دعاها عبارتند از: تقاضای کامروا شدن پیروان اشه، برآورده شدن آرزوهای گشتاسپ و پیروان خود، نیروبخشی به ستایشگران اهورامزدا، ارزانی داشتن زندگی بهتر، برخورداری از شهریاری مینوی، رها شدن از کینه کینه‌وران، دور شدن از منش خشمگینان و ...

دعاهایی که در بخش‌های مختلف این اثر آمده، تقویت‌کننده و متناسب با اندیشه‌های زردتشتیان است و آنگاه که هر دوی این موارد در کنار یکدیگر آمده این امر بهتر مشخص می‌شود. به عنوان مثال برپایه عقاید اوستایی «باید برای آبادانی جهان کوشید و آن را به درستی نگاهبانی کرد و به سوی روشنایی برد.» (اوستا، یسنا، ۱۴۹). همین امر موجب شده دعاهایی نسبت به گیتی در کنار این گزاره قرار گیرد: «گیتی را نیرو باد، درود بر گیتی، نرم گفتاری گیتی را باد، پیروزی گیتی را باد، فراوانی گیتی را باد، آبادانی گیتی را باد.» (همان: ۱۴۹ و ۱۴۸).

علاوه بر اهورامزدا که در بیشتر موارد مورد خطاب واقع شده است از ایزدان دیگر نیز دعاهایی درخواست شده است. آن‌چنان که خطاب به ایزد هوم شش دعا آمده است که یک مورد آن اخروی و بقیه آنها مثل بیشتر دعاهای مندرج در اوستا، دنیوی است: «بهترین زندگی (بهشت) برای پاکان، تندرستی، زندگی بلند، کامروا بودن و در هم شکستن ستیزه دروج، پیروزمند شدن در جنگ، بوی بردن و آگاه شدن از دزد و راهزن و گرگ» (ن.ک: پورداد، ۱۳۷۷، گات‌ها: ۱۶۵).

نفرین در گات‌ها کاربردی ندارد. نگاه زردتشت در گاهان نسبت به نتایج و عواقب اعمال اشونان و دروندان نگاهی قطعی است، از همین روی به جای نفرین و جمله‌های طلبی و انشایی، جمله‌های خبری آمده و نفرین مستقیم مندرج نشده است: «و تو را پاک شناختم، ای مزدا اهورا، آنگاه که تو را نخست در آفرینش زندگی نگرستم که چگونه کردارها و گفتارها را مزد خواهی داد - پاداش بد به بد و خوب به خوب» (پورداد، ۱۳۵۴، گات‌ها: ۱۳۰) زردتشت در گات‌ها نابودی دروندان را از طریق استمداد از نیروهای اسطوره‌ای و فراطبیعی و نفرین نخواسته، بلکه از طریق یاد گرفتن شیوه‌ای طبیعی و کارآمد طلب کرده است:

«این از تو می‌پرسم، درست به من بگو، ای اهورا: چگونه دروغ را به دست راستی توانم سپرد تا اینکه او را برافکند از روی دستور آیین تو تا اینکه او به دروغ‌پرستان شکست سترگ دهد تا اینکه به آنان رنج‌ها و ستیزها آورد» (پورداد، ۱۳۵۴، گاتاها: ۱۴۴).

منش نیک در نگاه زردتشت نابودکننده بدی‌هاست از همین نظر از اهورامزدا می‌طلبد که از این راه بتواند دشمنان خود را نابود سازد: «ایدون دیرگاهی است که بندو بزرگ‌تر ستیزه جوی من است، منی که گمراهان را از راستی خوشنود ساختن خواهم، ای مزدا با پاداش نیک به سوی من آی، مرا پناه بخش، او را ای بهمن، با مرگ دریاب» (همان: ۱۸۲).

با وجود کاربردنداشتن نفرین در گاتاه‌ها، در بخش‌های دیگر اوستا این عنصر ظهور چشم‌گیری دارد و گاه در چندین بند متوالی انعکاس یافته و آن تلاش و کوشش طبیعی در راستای نابودی دشمن به استفاده از نیروی فراطبیعی نفرین تبدیل یافته است. البته این موضوع با نظر محققان در مورد زمان پیدایش گاتاه‌ها و بخش‌های دیگر اوستا مطابقت دارد. میلز (L.H. Mills) در مورد دوگانگی محتوایی گاهان و بخش‌های دیگر اوستا می‌گوید: «یک نفر اوستاشناس، چنانچه اول گاتاه‌ها را خوب مطالعه کند و بعداً به یشت‌ها و وندیداد بپردازد، در واقع می‌توان گفت چنین شخصی از عالم حقیقت به سرزمین افسانه‌ای قدم خواهد گذاشت. در گاتاه‌ها پیامبری را می‌بیند که در حال تلاش و کوشش و تحمل سختی و مشقت است در صورتی که در یشت‌ها همین شخص را به صورت نیمه‌خدای افسانه‌ای مشاهده می‌کنید. هرچند افکار اصولی در افسانه‌های یشت‌ها و وندیداد کهن بوده و برخی از آنها مسلماً از گاتاه‌ها و ریگ‌ودای هندوها نیز کهن‌تر می‌باشد ولی به طور کلی و فی‌المجموع زمان تدوین یشت‌ها و وندیداد بسیار متأخرتر از گاتاه‌ها می‌باشد» (اوستا، ۱۳۷۱: ۴۶). از همین منظر است که در گاتاه‌ها سخنی از معجزات و کارهای محیرالعقول و غریب و حتی استمداد از نیروی نفرین برای نابودی دشمنان دیده نمی‌شود و تا جای ممکن، انسان را به اندیشه و خرد و یا دعا‌های نیک رهنمون می‌سازد تا از طریق منش نیک بر دشمنان چیره گردد اما در بخش‌های دیگر اوستا استمداد از نفرین عنصر مهمی در نابودساختن دشمنان است. در هات هشتم دروج این گونه با جملات پیاپی نفرین می‌شود:

«بشود به کام و به خواهش خود... دهید به دروغ ناتوانایی. کامروا باد راست. ناکام باد دروغ، سپری‌شده، برانداخته‌شده، زدوده‌شده از آفرینش خرد مقدس، برده و ناکام باد» (پورداد، ۲۵۳۶، یسنا، ج ۱: ۱۵۷) همین عبارت باز در بند دوازده و سیزده از هات یازده نیز آمده است.

به هر حال پدیده‌ها و اشخاص مختلفی در اوستا مورد لعن و نفرین قرار گرفته‌اند. در «هوم‌یشت» زردتشت خطاب به هوم (ایزد نگاهبان گیاه مقدس هوم)، آسیب‌هایی جسمی را مانند کوری و ناتوانی در راه رفتن برای کینه‌ورزان طلب کرده‌است:

ای هوم!... از هر مردمی که در این خانه، که در این ده، که در این شهر، که در این مملکت گناه ورزد برگیر از پاهایش زور، هوشش تیره ساز، منشش در هم شکن. با دو پا نتواناد راه رفتن، با دست کاری نتواناد ساختن، با چشمان زمین میناد، با چشمان جانور میناد، آنکه به منش ما کین ورزد، آنکه به پیکر ما کین ورزد. (همان: ۱۶۸)

از میان پدیده‌ها در اوستا، بیش از همه نفرین متوجه دروج و اهریمنان و پیروان آنهاست: «شکسته باد اهریمن زشت منش! بر او صد هزار نفرین باد! (همان: ۵۸۷)، ای دروج دیو خوی! نابود شو (همان: ۵۸۴)

نفرین در اوستا گاهی کارکرد تعلیمی و مذهبی یافته و از آن برای انتقال حس نفرت و بیزاری در مخاطب، به خصوص مخاطبان جوان استفاده شده‌است. در خرده اوستا در بخش «نیرنگ کشتی بستن» پدیده‌های مختلفی مورد نفرین واقع شده‌اند.

نیرنگ از ادعیه مشکل‌گشای بسیار قدیم است... پس از اسلام در ایران و رفته رفته بیگانه شدن ایرانیان از مصطلحات پیشینیان خود، منحرف گشته از آن سحر و طلسم و شعبده و افسون و حيله اراده کرده‌اند. شاید تاثیرات خارق‌العاده‌ای که در قدیم از برای نیرنگ‌ها پنداشته می‌شده سبب بروز معانی نو شده باشد. (پورداد، بی‌تا، مقدمه خرده اوستا: ۵۹)

نیرنگ کشتی بستن ویژه نوجوانانی بوده که نخستین بار به جرگه مزدپرستان در می‌آمدند. این نشان می‌دهد در آغاز نیز کودکان از این طریق با دشمنان و قدرت نفرین در نابود ساختن آنها آشنا می‌شده‌اند:

ای هر مزد خدای، اهرمن ناتوان، دور داشته‌شده، زده و شکسته باد اهرمن، دیوها، دروجان، دروندان، کوی‌ها، کرپان‌ها، ستمگاران، گناهکاران، اشموگان، دروندان، دشمنان، پری‌ها زده و شکسته باد. پادشهان بد ناتوان باد، دشمنان ستوه باد، دشمنان ناتوان باد. (پورداد، بی‌تا، خرده اوستا: ۷۳)

درهات ۶۵، از بهترین آفرینندگان مزدا یعنی آب را مورد خطاب قرار داده و خواسته است که نصیب برخی افراد نگردد:

آب از آن کسی که از میان بد اندیش است مباد، آب از آن کسی که از ما بدگفتار است مباد، آب از آن کسی که از ما بدکردار است مباد، نه از آن بد دین، نه از آن دوست آزار، نه از آن مغ آزار، نه از آن برزن (همسایه آزار) نه از آن خانواده آزار... (پورداد، ۲۵۳۶، سینا/۲: ۹۱)

۲-۱-۲. نفرین در کتیبه‌های هخامنشی

از مهم‌ترین و ارزشمندترین آثار فارسی که از گزند روزگار محفوظ مانده، کتیبه‌های شاهان هخامنشی است. از آنجا که متن کتیبه‌ها مانند کتاب نیست که هربار در نسخه‌برداری توسط کاتب تغییراتی در آن روی دهد، این آثار از ارش‌های زبانی و محتوایی خاصی برخوردارند. به عقیده برخی محققان تا کنون قدیمی‌ترین کتیبه‌ای که از خط میخی پارسی کشف شده، لوحه زرین آریارمن (حدود ۵۹۰-۶۴۰ ق.م)، جد اعلای داریوش کبیر است. (ن.ک: نارمن شارپ، ۱۳۸۸: ۲۱) در کهن‌ترین کتیبه‌های هخامنشی اگرچه دعا وجود دارد اما نفرین دیده نمی‌شود. در همین کتیبه آمده است: «آریارمن شاه گوید: اهورامزدا به من یاری ارزانی فرماید.» (همان: ۲۳). بعد از این کتیبه، کتیبه دیگری که متضمن دعاست کتیبه ارشام پسر آریارمن است که در حدود سال ۶۱۵ ق.م به تخت نشست. در این کتیبه آمده است: «مرا اهورامزدا بیاید و خاندان مرا، و این کشور را که دارم او بیاید.» (همان: ۲۷) علاوه بر دعا در حق خود، خاندان و کشور خود را نیز دعا کرده است. در آغاز دعا عنصری کافی به نظر می‌رسیده است و پادشاهان به آن اکتفا می‌کرده‌اند اما به مرور علاوه بر دعا، از نفرین نیز بهره برده‌اند که ضمانت اجرایی بیشتری در نظر گرفته شود. بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کتیبه دوران هخامنشی کتیبه داریوش در بیستون است. نخستین جایی که نفرین در آن آمده همین کتیبه است. داریوش کبیر (۴۸۶-۵۲۱ ق.م) در این کتیبه بعد از برشمردن جنگ‌ها و فتوحاتی که داشته و سرنگونی پادشاهانی که آنها را دروغگو نامیده، مخاطبان را به پرهیز از دروغ سفارش کرده و از آنها خواسته موضوع این کتیبه را پنهان ندارند و به مردم اطلاع دهند در غیر این صورت به نفرین دچار می‌شوند. این خواسته را هم با دعا و هم نفرین بیان کرده است: «داریوش شاه گوید: اکنون آنچه بوسیله من کرده شد تو را باور آید. همچنین به مردم بسیار! پنهان مدار! اگر این گزارش پنهان نداری، به مردم بگویی اهورامزدا دوست تو باد و دودمان تو بسیار و زندگیت دراز باد! داریوش شاه گوید: اگر این گزارش را پنهان بداری، به مردم نگویی، اهورا مزدا دشمن تو باشد و تو را دودمان نباشد.» (همان: ۷۰) وی ضامن نفرین و دعا را اهورامزدا دانسته و هدف او از گفتن این نفرین و دعا اجرای عملی خاص بوده که همان منتشر ساختن محتوای کتیبه است. این درخواست به گونه‌ای موجب مشروعیت بخشیدن به حکومت او می‌شود، چرا که داریوش برطبق این کتیبه راستگو و پادشاهان دیگر دروغگو محسوب شده‌اند. از سویی باید به موانع و مشکلاتی که داریوش در آغاز حکومت، آنچنانکه در متن کتیبه آمده، با آن مواجه بوده مانند ماجرای بردیای دروغین، شورش در خوزستان، بابل، آشور، مرو و سکاکیه نیز توجه داشت که وی توانست کشور و نواحی تحت سلطه خود را آرام سازد. از

این منظر تاکید وی بر حفظ کتیبه، به گونه‌ای علاقه او را به باقی ماندن نام و توانایی وی نشان می‌دهد.

در ادامه این کتیبه باز دعا و نفرین دیگری مندرج شده است:

اگر این نبشته با این پیکرها را بینی و تباهشان نسازی و تا هنگامی که تو را توانایی است نگاهشان داری، اهورمزدا تو را دوست باد و دودمان تو بسیار و زندگی ات دراز باد و آنچه کنی آن را به تو اهورمزدا خوب کند. داریوش شاه گوید: اگر این نبشته یا این پیکرها را بینی و تباهشان سازی، و تا هنگامی که تو را توانایی است نگاهشان نداری، اهورمزدا تو را دشمن باشد و تو را دودمان نباشد و آنچه کنی اهورمزدا آن را براندازد. (همان: ۷۲)

در این گفتار نیز دعا و نفرین به صورت شرطی آمده و از نظر محتوایی نیز در ادامه موارد قبل قرار گرفته است، اما در دعا و نفرین نخست، هدف ترغیبی و در مورد اخیر هدفی پیشگیرانه و تحذیری دارد و پادشاه از قدرت نفرین و دعای شرطی برای پاسداشت کتیبه که به گونه‌ای ماندگار ساختن کارها و اقدامات بزرگ وی است، استفاده کرده است. در واقع در این دو دعا و نفرین هم حفظ کتیبه از دیدگاه وی توصیه شده و هم نشر گزارش‌های آن.

بلافاصله و مصیبت‌هایی که در این نفرین‌ها درخواست شده بیشتر دنیوی و شامل مقطوع النسل شدن و به‌هدر رفتن کارها و بی‌نتیجه ماندن آنهاست. در کتیبه‌های دیگر دوران هخامنشی اگرچه در بردارنده دعاست اما نفرین وجود ندارد. دعاها مندرج در کتیبه‌های دیگر داریوش علاوه بر آنکه نسبت به خود و محفوظ ماندن کتیبه‌هاست نسبت به کشور، خاندان و پدر خود (ویشتاسپ) نیز است. در کتیبه وی در تخت جمشید دعا می‌کند اهورمزدا کشور را از سه آفت دشمن، خشکسالی و دروغ محفوظ دارد (ن.ک: نارمن شارپ، : ۸۰). این دعا از یکسو به گونه‌ای حس میهن‌پرستی او را نشان می‌دهد و از سوی دیگر با در کنار یکدیگر قرار دادن سه آفت دشمن، خشکسالی و دروغ که در ظاهر، چندان تناسبی با هم ندارند بعدی ادبی به عبارت بخشیده است. دعا کردن نسبت به کشور در بیشتر کتیبه‌های او آمده است: «مرا اهورمزدا محفوظ دارد و ویشتاسپ پدر مرا و کشورم را» (همان: ۹۹)، «اهورمزدا من و خاندان سلطنتی‌ام را و این کشور را از زیان محفوظ دارد» (همان: ۸۷)، «مرا اهورمزدا محفوظ دارد و کشورم را» (همان: ۱۰۳). در همه این دعاها خواست‌های دنیوی درخواست شده است.

اهمیت دعا تا جایی است که ذکر دعا در پایان کتیبه جزئی از سنت کتیبه‌نویسی شاهان هخامنشی قرار گرفته و بعد از داریوش در هفده کتیبه از خشایارشا، داریوش دوم و اردشیر دوم کتیبه با دعا به پایان رسیده است. جزو سنت بودن دعا تا حدی است که گاه دعاها عیناً تکرار شده است آن‌چنان که گزاره «اهورمزدا با خدایان مرا و شهریاری مرا و آنچه به وسیله

من کرده شد بپایاد» در پنج کتیبه خشایارشا بدون هیچ تغییری تکرار شده است. بعد از داریوش دعا نسبت به کشور یا پدر خود، بسیار کمرنگ شده و تنها در یک کتیبه خشایارشا، یک کتیبه داریوش دوم و یک کتیبه اردشیر(ن.ک: همان: ۱۲۱ و ۱۳۵ و ۱۴۱) آمده است. از جمله: «اهورمزدا مرا و خاندان سلطنتی ام را و این کشور را که من دارم حفظ کند.»(همان: ۱۳۵) که تقریباً شبیه دعایی است که در کتیبه ارشام آمده است.

علاوه بر اهورمزدا در کتیبه اردشیر دوم از ایزدانی مانند آناهیتا و میترا نیز استمداد جسته شده است(ن.ک: همان: ۱۳۷) که نشان از عقیده این پادشاه دارد چراکه معتقدند اردشیر دوم هخامنشی، ستایش ناهید را در نقاط مختلف ایران و در ممالکی که در تحت تصرف شاهنشاهان هخامنشی بود منتشر ساخت و مجسمه او را در معابد برپا نمود. براساس این موضوع برخی عقیده دارند «معتقدات بابلی‌ها و عیلامی‌ها در مذهب شاهان هخامنشی اثر کرده و مذهب آنها را آلوده و خرافی نموده است.»(ن.ک: پیرنیا، ۱۳۸۵: ۱۲۶)

موارد درخواست شده در دعاهای بعد از کتیبه داریوش به طور کلی محدود به حفظ خود، کتیبه و خاندان صاحب کتیبه و در پاره‌ای موارد کشور است. این دعاها به صورت کلی آمده و اگرچه این موارد در کتیبه‌های داریوش نیز آمده، از آنجا که داریوش با نگاهی جزئی‌تر و مصداق‌گرایانه‌تر به بلایا و خواست‌ها(چون دروغ، دشمن، خشکسالی، دودمان بسیار و زندگی دراز) اشاره کرده، کتیبه‌های وی از حیث تأثیرگذاری و انتقال عاطفه بر مخاطب تأثیر بیشتری می‌گذارد.

۲-۲. دعا و نفرین در آثار دوران میانه

به طور تقریبی از سقوط داریوش سوم(۳۳۱ ق.م) تا آغاز حکومت یعقوب لیث(سال ۲۵۴هـ) را دوران میانه زبان‌های ایرانی محسوب می‌کنند(ن.ک: ابوالقاسمی، ۱۳۸۱: ۱۱۱ و ناتل خانلری، ۱۳۶۵: ۲۰۱). البته برخی برای سهولت تقسیم‌بندی، آغاز اسلام را پایان دوره میانه و آغاز دوره نو می‌دانند، اما باید توجه داشت تا چند قرن بعد از ظهور اسلام به بعضی از زبان‌های این دوره آثاری تألیف می‌شده است(ن.ک: تفضلی، ۱۳۷۸: ۱۲). زبان‌های این دوره را به دو دسته شرقی و غربی تقسیم می‌کنند. در گروه میانه شرقی زبان‌های بلخی و سغدی و خوارزمی و سکایی و در گروه غربی زبان‌های پهلوی اشکانی و فارسی میانه قرار دارند(ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۱۲۱). در این مقاله گروه غربی مورد بررسی قرار می‌گیرد. مهم‌ترین آثاری که در گروه پهلوی اشکانی قرار می‌گیرند، شامل مواردی مانند قبالة اورامان، کتیبه اردوان پنجم، کتیبه اردشیر(در نقش رستم)، کتیبه‌های شاپور اول(در نقش رجب، کعبه زردتشت و حاجی آباد)، کتیبه کرتیر، یادگار زیریران و درخت آسوریک است. از فارسی میانه نیز آثاری به جای مانده که مهم‌ترین آنها کتیبه‌های برخی شاهان و رجال ساسانی، نوشته‌های مسیحیان ایران و نوشته‌های مانی و پیروان او و نوشته‌های

غیردینی (مثل کارنامه اردشیر بابکان، خسرو قبادان و ریدک وی و غیره) است. (ن.ک: همان: ۱۵۷ تا ۱۶۵۷).

۲-۱. نفرین در کتیبه‌های دوران میانه

بعد از کتیبه‌های دوران هخامنشی، مهمترین کتیبه‌های فارسی از دوران میانه بخصوص کتیبه‌های پادشاهان ساسانی است. قدیمی‌ترین اثری که از زبان پارسی در دوران میانه به دست رسیده، سفالینه‌های نسا (سده اول پیش از میلاد و بنچاق اورامان (۸۸ ق.م) است. (ن.ک: همان: ۱۲۴) در مورد اخیر به اقتضای موضوع که فروش تاکستان است، سخنی از دعا و نفرین در آن نیست. در کتیبه‌ها این دوره دعا‌های مختلفی چه در کتیبه‌هایی که پادشاهان یا برخی افراد مانند کرتیر نگاشته‌اند و چه در سنگ‌نوشته‌های روی قبر آمده است. دعاها هم دنیوی است و هم اخروی که دعا‌های دنیوی بیشتر طلب عمر طولانی و پیروزی بر دشمنان است. از آن جمله است کتیبه سلوک داور که «در سال ۳۵۶ م. نگاشته شده است و در مورد شرح بار یافتن سلوک قاضی به حضور شاپور دوم و دیدار او از صد ستون [تخت جمشید] و بازگشت از پیش شاه است.» (تفضلی، ۱۳۸۷: ۹۵) هفت سطر از این کتیبه یازده سطر متضمن دعاست:

آنگاه آفرین کردم که شاپور شاهنشاه، بهترین مردان، انوشه باشد و حکومتی جاوید داشته باشد و شاپور سکانشاه را زندگی طولانی (باشد) و همیشه عملی انجام دهد که یزدان و شاپور شاهنشاه را خوب به نظر آید و نیز من، بنده این چنین کنم که یزدان و ایشان بغان (اعلی حضرت) شاپور شاهنشاه را عمل نیک به نظر آید و از اینجا به سلامت به دربار ایشان بغان (آن اعلی حضرت) رسم و اویغ (اعلی حضرت) شاپور شاهنشاه را به پارسایی و سلامتی بینم و دوباره به پارسایی با سلامت به کابل آیم. (دریایی، ۱۳۸۳: ۴۹)

در کتیبه کرتیر بنا به شخصیت مذهبی و دینی او که روحانی پرنفوذ بود، دعا صبغه‌ای دینی و اخروی دارد (برای آشنایی بیشتر ن.ک: Sprengling, 1953). در کتیبه وی که در نقش رجب است، آمده: «من از یزدان این را درخواست کردم که اگر یکبار یزدان من کرتیر را در زندگی به ارج جای داده‌اند پس من را به آن سوی (دنیای مردگان) نیز عبور دهند و چهره بهشت و دوزخ نمایند.» (دریایی، ۱۳۸۰: ۷).

نکته دیگری که در کتیبه‌های این دوره دیده می‌شود، تقاضای دعاست به گونه‌ای که برخی از صاحبان کتیبه متذکر شده‌اند عملی را به قصد طلب دعای مردم انجام داده‌اند. در کتیبه مهرنرسی که روی پلی در فیروزآباد نگاشته شده، وی به ساخت پل و هدف خود از این کار که طلب دعای عابران است، اشاره می‌کند: «هر که به این راه آمد مهرنرسی و فرزندانش را آفرین کند» (اکبرزاده، ۱۳۸۵: ۴۶)، یا در پایان برخی سنگ‌نوشته‌های کنار دخمه در این دوره دعایی نیک در مورد مرده ذکر شده است: «سال ۹۳ یزدگردی و روز

دین به بخت شد (درگذشت). او را بهشت بهره باد» (همان: ۵۲) نیز: «این دخمه آذر میر و یشناسپ را اخترگک به کورد کرد (ساخت). او را بهشت بهره بادا.» (همان: ۵۸). این تأکید بر دعاهای اخروی نشان‌گر جایگاه عمیق مذهب میان صاحبان کتیبه است. با وجود این، گویی سنت درج نفرین از کتیبه منسوخ شده است و نویسندگان به دعا اکتفا می‌کرده‌اند چنان‌که در هیچ کدام از کتیبه‌های دوران میانه نفرین دیده نمی‌شود.

۲-۲-۲. دعا و نفرین در کتاب‌های دوران میانه

علاوه بر کتیبه‌ها، کتاب‌هایی نیز از دوره میانه چه به صورت الفبای پهلوی و چه ترجمه عربی و فارسی آنها باقی مانده است که می‌توان براساس این آثار نیز تاحدی جایگاه آفرین و نفرین را در ادبیات پیش از اسلام نشان داد. نفرین و دعا در این آثار با چند کارکرد انعکاس یافته است. یکی از محمل‌هایی که دعا در آن کاربرد داشته، پایان‌بندی رسالات و کتاب‌هاست که معمولاً کاتب و نویسنده شخصیت‌های نیک داستان یا خود را دعا می‌کند. قدیمی‌ترین اثری که دارای چنین ساختاری است منظومه درخت آسوریک است. در پایان این اثر نویسنده و کسی که دستور به نوشتن آن داده، مورد دعا و دشمنان آنها نفرین شده‌اند:

او که این نوشت او دیر زید و دشمنانش گریان باشند و سر دشمنانش مرگ بیند. کسی که دستور داد این را نویسند و کسی که این نوشت هر دو دیر زیوند در این گیتی و خوشنام و در آن جهان روانشان بوختار [آزاد و شاد] باد. ایدون باد. (آبادانی، ۱۳۴۴: ۲۱۱)

عبارت «ایدون باد» تقریباً معادل «آمین» در بعد از اسلام است. در پایان رساله «یادگار زریران» نیز همین کارکرد دیده می‌شود که نویسنده شخصیت‌های داستان را دعا می‌کند: «انوشه باد بزرگمهر و آن کیان و یلان و دلیران که برای دین مزدینسان جانسپاری کردند. ایشان را گاه به اسر روشنی باد. ایدون باد. ایدون تر باد» (نوابی، ۱۳۴۵: ۳۲۰)

برخی از این آثار ساختاری روایی دارند و نفرین و دعاها نیز بیشتر بیان‌گر جنبه‌های عاطفی شخصیت‌ها در موقعیت‌های مختلف است و کارکردی ادبی دارد و نباید آن کارکردهایی که در کتیبه‌ها یا متون دینی است در مورد این آثار متصور شد. آنچنان‌که در کتاب کارنامه اردشیر بابکان آمده که هفت سال بعد از آنکه وی از روی خشم فرمان قتل همسر آستن خود را می‌دهد، هنگامی که در شکار می‌بیند که گوری، چندین بار جان خود را به خطر می‌اندازد تا جفت و فرزند خود را نجات دهد، به یاد عملی که انجام داده می‌افتد و از سر تحسّر و حسرت، لب به نفرین می‌گشاید: «اردشیر اسب را بازگرداند و اندیشید که وای بر مردم! که هم با نادانی و ناگویایی، این چهارپای گنگ بس مهر به یکدیگر ایدون سپوری [کامل] است که جان خویش، زن و فرزند را بسپارد.» (فروه‌وشی، ۱۳۹۰: ۱۰۳). باز از همین نوع نفرینی که برادران همسر اردشیر نسبت به زنان دارند، هنگامی که در زندان

به سر می‌برند اما خواهرشان (دختر اردوان پنجم) آنها را فراموش کرده است. برادران نیز از فرط عصبانیت نفرین می‌کنند به کسی که به زنان اعتماد کند: «کشته شود آن کس که پس از امروز به هیچ زن به کیهان گستاخ و بی‌گمان بود.» (همان: ۹۱).

از دیگر کارکردهای دعا در این آثار تبدیل شدن آنها به الگوهای گفتاری است. این متون نشان می‌دهند که برخی دعاها تبدیل به الگویی خاص شده و جزوی از آداب و رسوم دربار بوده است. از آن جمله است دعای «انوشه باش» به شاه که بسامد فراوانی در متون یافته و دیگران هنگام خطاب به پادشاه، سخن خود را با این دعا آغاز می‌کرده‌اند. در کارنامه اردشیر بابکان، موبد هنگام جواب دادن به اردشیر می‌گوید: «انوشه بوید به کامه رسید، او که به جان خدایان کوشد مرگ ارزان است.» (فروه‌وشی، ۱۳۹۰: ۹۷). دعای نخست بارها در این اثر تکرار شده است؛ از جمله صفحه‌های ۱۰۷، ۱۰۵، ۱۰۹ و... در رساله خسرو قبادان و ریدک وی که بیشتر متن آن گفتگوی این دو شخصیت است، در همه موارد ریدک سخن خود را با همین دعا آغاز می‌کند: «شاهنشاه، انوشه باش...» (معین، ۱۳۶۳: ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۱ و...). از آنجا که چنین دعایی در برخی کتیبه‌های این دوره، مانند کتیبه سلوک داور نیز آمده نشان می‌دهد تنها ساختاری داستانی ندارند بلکه جزئی از آداب سخن گفتن بوده که در دوران فارسی نو به خصوص در کتاب‌های تاریخی استمرار یافته، آنچنان که بارها چنین جمله‌هایی در تاریخ بیهقی آمده است: «نبیه گفت: زندگانی امیر دراز باد...» (بیهقی، ۱۳۸۳: ۴۹) و هنوز نیز در گفتگوهای روزمره به صورت‌هایی مثل «زنده باشی» کاربرد دارد.

کارکرد دیگر نفرین در این آثار هنگامی است که گوینده قصد دارد خبر ناگواری بدهد، به همین خاطر پیش از اطلاع دادن، خود را نفرین می‌کند که کاش زنده نبود که چنین سخنی بگوید. در یادگار زریران، هنگامی که گشتاسب از وزیر خود، جاماسب، می‌خواهد که نتیجه جنگ با ارجاسب تورانی را پیشگویی کند، وزیر پیش از آنکه بخواهد خبر ناگوار را بدهد، خود را بارها نفرین می‌کند: «گوید جاماسب که کاش از مادر نزدایی یا چون زادمی به بخت خویش به کودکی بمردمی یا مرغی بودم به دریا فتادمی... بیک (ولی) چون پرسیدید نه کامم مگر که راست گویم.» (نوابی، ۱۳۷۴: ۴۸). این نوع نفرین به خود کارکردی بلاغی یافته و نوعی فضاسازی محسوب می‌شود تا مخاطب آمادگی دریافت خبر را داشته باشد. در ادامه باز جاماسب خود را نفرین می‌کند: «آن به که از مادر زادم، یا چون زادم، مُردم...» (همانجا) پس از این نفرین‌های پیاپی که نوعی زمینه‌سازی است و به صورت غیرمستقیم نشان‌گر خبر بد است، جاماسب پیش‌گویی خود را بیان می‌کند.

در آثار مانی نیز وجوهی از آفرین دیده می‌شود. سرود «انگد روشن» که شرح سفری روحانی در راه رسیدن به پدر نخستین و مادر زندگان و روشن داراست، از همان ابتدا، با نیایش و دعا آغاز می‌شود و گوینده درخواست آراستگی روح و تقاضای یاری از خداوند برای غلبه بر دشمنان دارد: «ای خدا، روح مرا بیارای، و مرا پیواز [اجابت کن]، و مرا یاری کن در میان همه دشمنان...، تو ای محبوب ستوده و کرفه گر، آزادم کن از آنان» (۱۲۰۳ و ۱۲۰۴).

مانی دعاهای خود را معمولاً در نیایش‌های خود بیان می‌کند. در سرود دیگری، مانی خطاب به خدای خود، از او درخواست می‌کند که درخشش خویش، نسیم زندگی بخش نصیب او کند و زندگان را توانایی بخشد: «بتاب به ما درخشش خویش را، چشمه نوشین، نسیم زندگی بخش و کن توانا ما را زندگان» (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۱۴۳).

۳. نتیجه گیری

دعا و نفرین از یکسو به عنوان یکی موضوعات دینی است و از سوی دیگر از بن‌مایه‌های فرهنگی جامعه و از موضوعات و مضامین پربسامد در آثار فارسی پیش از اسلام است تا جایی که در نخستین آثار ایرانی نیز انعکاس یافته‌است. اصل نفرین و دعا یکسان است و طی آنها برای تحقق امری از نیروهای فراطبیعی درخواست یاری می‌شود. در گائدها که سروده زردتشت است، نفرین تنها یک مورد استفاده شده‌است اما به دلیل حالت نیایشی آن مملو از گزاره‌های دعایی است و از همان ابتدا مخاطب را در فضایی خاضعانه فروبرد. خطاب مستقیم به اهورامزدا و ایزدان دیگر جنبه دعایی این اثر را تقویت کرده‌است. در اوستا موجودات یا صاحبان صفات اهریمنی نفرین و اهورایی مورد دعا واقع شده‌اند. در کتیبه‌های هخامنشی نیز نفرین و دعا با کارکردهای مختلفی انعکاس یافته‌است. بلایا و مصیبت‌هایی که در این نفرین‌ها درخواست شده، بیشتر دنیوی و شامل مقطوع‌النسل شدن و به هدر رفتن کارها و بی‌نتیجه ماندن آنهاست. اهمیت دعا تا جایی است که ذکر دعا در پایان کتیبه جزئی از سنت کتیبه‌نویسی شاهان هخامنشی قرار گرفته‌است. در کتیبه‌های دوره میانه، نفرین دیده نمی‌شود اما دعا همچنان استمرار یافته که هم دنیوی است و هم اخروی؛ دعاهای دنیوی بیشتر طلب عمر طولانی و پیروزی بر دشمنان است. در کتاب‌های این دوره که بیشتر ساختاری روایی دارند، نفرین و دعا بیشتر بیان‌گر جنبه‌های عاطفی شخصیت‌ها در موقعیت‌های مختلف است و کارکردی ادبی دارد. بسامد فراوان برخی دعاها نشان می‌دهد که تبدیل به الگویی خاص شده و جزوی از آداب و رسوم دربار بوده و دیگران هنگام خطاب به پادشاه، سخن خود را با این الگوها آغاز می‌کرده‌اند.

کتابنامه

الف. کتاب‌ها

۱. ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۸۱). **تاریخ زبان فارسی**. چاپ چهارم. تهران: سمت.
۲. _____ (۱۳۸۹). **راهنمای زبان‌های باستانی ایران**. چاپ هفتم. تهران: سمت.
۳. اکبرزاده، داریوش. (۱۳۸۵). **کتیبه‌های پهلوی**. چاپ دوم. تهران: پازینه.
۴. **اوستا** (۱۳۷۱) گزارش و پژوهش جلیل دوست‌خواه. تهران: مروارید.
۵. بیهقی، ابوالفضل. (۱۳۸۳). **تاریخ بیهقی**. تصحیح علی‌اکبر فیاض. به اهتمام محمد جعفر یاحقی. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
۶. پورداود، ابراهیم. (۱۳۷۷). **گات‌ها**. تهران: اساطیر.
۷. _____ (۲۵۳۶). **یسنا**. تهران: دانشگاه تهران.
۸. _____ (بی‌تا). **خرده اوستا**. بمبئی: انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی.
۹. _____ (۱۳۵۴). **گاتاها**. تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. پیرنیا، حسن. (۱۳۸۵). **تاریخ کامل ایران**. تهران: نگاه.
۱۱. تفضلی، احمد. (۱۳۷۸). **تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام**. به کوشش ژاله آموزگار. چاپ سوم. تهران: سخن.
۱۲. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). **لغت‌نامه**. چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.
۱۳. فره‌وشی، بهرام (۱۳۹۰) **کارنامه اردشیر بابکان**. چاپ پنجم. تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. کلیسی، عمرشاکر. (۱۴۲۳). **نصوص اللعن فی القرآن و اثرها فی الاحکام الشرعیه**. بیروت: مؤسسه الریان.
۱۵. مقدم، محمد. (۱۳۴۲). **راهنمای ریشه فعل‌های ایرانی در زبان اوستا و فارسی باستان و فارسی کنونی**. تهران: موسسه مطبوعاتی علمی.
۱۶. معین، محمد. (۱۳۲۶). **مزدیسنا و تاثیر آن در ادبیات فارسی**. تهران: دانشگاه تهران.
۱۷. _____ (۱۳۶۳). **مجموعه مقالات معین**. تهران: معین.
۱۸. ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۶۵). **تاریخ زبان فارسی**. چاپ دوم. تهران: نشر نو.
۱۹. نارمن شارپ، رلف. (۱۳۸۸). **فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی**. چاپ سوم. تهران: پازینه.
۲۰. نوآبی، ماهیار. (۱۳۷۴). **یادگار زیران**. تهران: اساطیر.

ب. مقاله‌ها

۲۱. آبادانی، فرهاد. (۱۳۴۴). «درخت آسوریک». نشریه دانشکده ادبیات اصفهان. سال دوم. شماره ۲، صص ۲۰۷ تا ۲۱۲.
۲۲. بادامچی حسین و احسان افکنده. (۱۳۹۳). «از آنا‌توم سومری تا اردشیر پارتی». مطالعات تاریخ فرهنگی. پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ. سال پنجم. شماره نوزدهم، صص ۲۱ تا ۲۱.

۲۳. بهابادی، بی‌بی سادات رضی و زهرا پنبه‌پز. (۱۳۹۳). «عوامل سلام و لعن در قرآن کریم». فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء. سال یازدهم، شماره ۴. پای‌پای ۲۴، صص ۸۱ تا ۵۴.

۲۴. دریایی، تورج. (۱۳۸۰). «کتیبه کرتیر در نقش رجب». نامه باستان. سال اول. شماره اول، صص ۱۰ تا ۳.

۲۵. _____ (۱۳۸۳). «کتیبه پهلوی سلوک، داور کابل». مجله فرهنگ. شماره ۴۹ و ۵۰، صص ۵۱ تا ۴۷.

۲۶. نوایی، ماهیار. (۱۳۴۵). «یادگار بزرگمهر». نشریه دانشکده ادبیات تبریز. سال یازدهم، صص ۳۰۲-۳۳۴.

ج. منابع لاتین

27. Cheung, Johnny. (2007). *Etymological dictionary of the Iranian Verb*. Netherlands: Brill.

28. Scheper, George. (2005) *Encyclopedia of Religion*. Second Edition, USA: Macmillan Referenc.

29. M. Sprengling. (1953). *Third Century Iran, Sapor and Kartir*. Chicago



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی